سنگر کتاب

## فرمانده بزرگ خیبر

محمد ابراهیم همت ۱۲فروردین ۱۳۳۴ خورشیدی در شهرضا دیده به جهان گشود. این سردار شهید، فرماندهی عملیات خیبر را به‌عهده داشت و نیروهای او در این عملیات شکست سنگینی به ارتش عراق وارد آوردند. سرانجام این مبارز راه حق، ۱۷ اسفند ۱۳۶۲ در عملیات خیبر به آرزوی دیرین خود نائل آمد و به شهادت رسید. پیکر پاک این شهید والامقام در قطعه شهدای امامزاده شاهرضا(ع) به خاک سپرده شد. به مناسبت فرارسیدن سالگرد شهادت این شهید بزرگوار، تعدادی از کتاب‌های منتشر شده درباره او را برای‌تان فهرست کرده‌ایم که با خواندن‌شان تا حدودی می‌توانید با زندگی و سیره این فرمانده بی‌نظیر آشنا شوید. امیدواریم بتوانید این کتاب‌ها را در کتابفروشی‌ها پیدا کنید.

| عنوان | نویسنده |
|---|---|
| معلم فراری | رحیم مخدومی |
| به مجنون گفتم زنده بمان، کتاب همت | فرهاد خضری |
| طنین همت | ابراهیم رستمی |
| نیمه پنهان یک اسطوره | مرحوم احد گودرزیانی |
| نیمه پنهان ماه | حبیبه جعفریان |
| افلاکیان زمین | محمدحسین عباسی ولدی |

خون‌نگار

## برنامه‌های هفته شهید اعلام شد

اگرچه ۲۲ اسفند به نام روز شهید نامگذاری شده است اما بنیاد شهید و امورایثارگران به خاطر تنوع برنامه‌هایی که هر ساله به این مناسبت برگزار می‌کند، این روز را به هفته ارتقا داده و برنامه‌های این مناسبت را از روز جانباز شروع کرده و تا ۲۲ اسفند ادامه می‌دهد.

روز گذشته نیز سیدمحمدصادق هاشمی، در نشست خبری تشریح «برنامه‌های هفته بزرگداشت شهدا» را اعلام کرد و گفت: روز ۲۲ اسفند هرسال مصادف با روز شهید است و در بنیاد شهید سالانه این برنامه‌ها را با عنوان هفته شهید برگزار می‌کنیم.

وی ادامه داد: یکی از اصلی‌ترین برنامه‌ها و در واقع ویژه‌ترین برنامه ما که با همکاری همه دستگاه‌های کشور و مسئولان اتفاق خواهد افتاد، پویش سراسری و مردمی «سلام شهید» و دیدار با خانواده شاهد و ایثارگر و قدردانی از آنها خواهدبود.

معاون فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران افزود: دیگر اقدامات ما در بنیاد شهید برگزاری میز خدمت در نمازجمعه‌هاست که در سراسر کشور به خصوص در پایتخت انجام می‌شود.

وی ادامه داد: همچنین برپایی نمایشگاه در سراسر کشور در حوزه ترویج فرهنگ ایثار و شهادت خواهیم داشت.

هاشمی درخصوص برنامه تحویل سال جدید گفت: برنامه ویژه تحویل سال در پایان سال در سراسر گلزارها و همچنین برنامه‌های نمایشی از قبیل تئاتر و سرودخوانی برگزارمی‌شود.

وی ادامه داد: از دیگر اقدامات بنیاد شهید رونمایی از سامانه آنلاین CRS بنیاد شهید خواهد بود که این سامانه در راستای شفافیت و عدالت است و همه خدمات به صورت جامع در اختیار مردم قرار می‌گیرد.

معاون فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران گفت: راویان و پیام‌آوران ایثار در مدارس حضور پیدا می‌کنند و زندگی و زیست شهیدان را در برابر سختی‌ها و مشقت‌ها روایت می‌کنند. کلیپ‌هایی نیز با موضوع وصیت‌نامه‌های شهدا تهیه شده که در فضای مجازی منتشر خواهد شد. همچنین چندین کتاب در حوزه شعر برای نوجوانان و جوانان تولید کرده‌ایم که به‌زودی در فضای مجازی منتشر می‌شود.

هاشمی گفت: بنا داریم در شهر کرمان برنامه‌ای برای یادمان شهدای حادثه تروریستی کرمان برگزار کنیم.

وی ادامه داد: از دیگر برنامه‌های ما برگزاری اردوهای زیارتی و سیاحتی و مسابقه‌های مختلف در سراسر کشور است.

معاون فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگر گفت: در هفته شهید از جامعه ایثارگر در معاونت سلامت طرح ویزیت رایگان انجام خواهد شد

.وی در پایان خاطر نشان کرد: مردم هرچقدر قدردان خانواده شاهد و ایثارگر باشند برادری و صمیمت و وحدت ما در کشور برای عبور از مشکلات بیشتر خواهد شد.

گفتنی است روز ۲۲ اسفند در تقویم جمهوری اسلامی ایران همزمان با سالروز تاسیس بنیاد شهید به فرمان امام(ره) بوده و به نام روز بزرگداشت شهدا نام‌گذاری شده‌است. بنیاد شهید در ۲۲ اسفند سال ۱۳۵۸، به فرمان امام(ره) تاسیس شد و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی واداری است و امورآن طبق مقررات و قوانین مربوط به نهادهای عمومی غیردولتی و در چارچوب اساسنامه مصوبه و آیین‌نامه‌های مربوط زیر نظر رئیس جمهور و با نظارت مقام معظم رهبری اداره می‌شود.

### در چهلمین سالگرد شهادت

### «حاج محمدابراهیم همت» سری زدیم به روایت گلعلی بابایی از این سردار

# چشم‌هایش شراره‌های خورشید

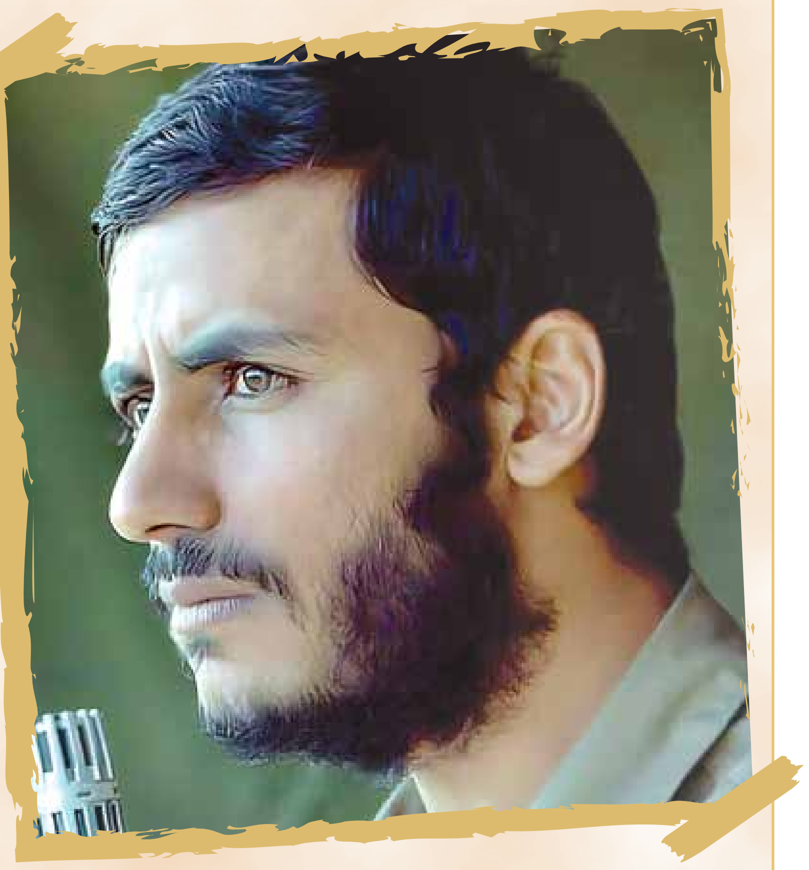

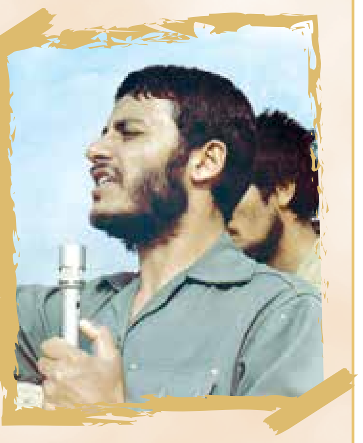

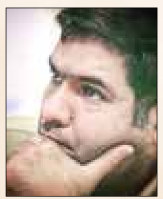

میثم رشیدی مهرآبادی
دبیرگروه پایداری

کتاب «شراره‌های خورشید» نوشته مشترک گلعلی بابایی و حسین بهزاد، با محوریت شخصیت شهید همت و کارنامه عملیاتی لشکر ۲۷ محمد رسول‌ا... در عملیات خیبر، ابتدای امسال توسط نشر ۲۷ بعثت به چاپ پنجم رسید. این کتاب ششمین اثر از گروه کتاب‌های حماسه ۲۷ اثر گلعلی بابایی و حسین بهزاد است. این کتاب رویدادهای متنوعی از کارنامه عملیاتی لشکر ۲۷ محمد رسول‌ا...(ص) طی چهارماهه پایانی سال ۱۳۶۲ را دربرمی‌گیرد. در این اثر حوادث و ماجراهای شگفت‌انگیزی از تاریخچه لشکر ۲۷ و واپسین ماه‌های حیات دنیوی فرمانده پرآوازه آن، شهید محمدابراهیم همت را خواهید خواند که عمده آنها از جمله مهم‌ترین ناگفته‌های دوران دفاع مقدس بوده که برای نخستین بار در قالب اثری مکتوب انتشار می‌یابد.

بازه زمانی وقایع مندرج در این کتاب، از فردای خاتمه عملیات والفجر۴ در جبهه مریوان - پنجوین شروع می‌شود و در سی‌امین روز اسفند سال ۱۳۶۲ و آخرین روزهای عملیات آبی - خاکی خیبر پایان پیدا می‌کند. در چهلمین سالگرد شهادت سردار حاج‌محمدابراهیم همت، روایت همرزمش، گلعلی بابایی را مرور کردیم.

### آخرین دیدار با همت

آخرین دیدارم با شهید همت روز ۱۲ اسفند سال ۶۲ بود یعنی بعد از این که لشکر، یک هفته در طلائیه عمل کرد و در شش مرحله عملیات کرد و در هر شش مرحله شکست خورد. با هزار مصیبت و سختی نتوانستیم کاری انجام دهیم. حاج همت نیروها را در پادگان دوکوهه جمع کرد. گفتند امشب فرمانده لشکر سخنرانی دارد. من آن زمان در گردان حبیب بودم و گردان‌مان به خط زده بود. بگذارید پیش از پرداختن به داستان همت، به این مسأله بپردازم.

### وضع جزیره خیلی خراب است!

گردان ما اول قرار بود در طلائیه عمل کند. پس از چند روز بلاتکلیفی گفتند نه، بروید در جزیره مجنون. ما همه وسایل و امکانات را جمع کردیم و آماده رفتن شدیم. فرمانده گردان‌مان عمران پستی معروف به برادر عبدا... بود. در منطقه جفیر یک پد آبی درست کرده بودند که نیروها آنجا امکانات و نفرات را سوار کرده و به جزیره می‌بردند. روز ششم اسفند، نیروهای گردان در حال سوار شدن بودند و تویوتاها و موتور تریل‌ها را سوار بالگرد می‌کردند. وقتی همه آماده شدند، آخر سر فرمانده گردان و اطرافیانش سوار می‌شدند. عمران نگذاشت من سوار شوم. گفتم چرا برادر عبدا...؟ وقتی در والفجر مجروح شدی، خودم تو را عقب آوردم. گفت نه! پیش از این که سوار شویم شهید کارور، فرمانده گردان مالک از جزیره آمده بود و گفته بود عبدا... وضع جزیره خیلی خراب است؛ نه پتو، نه کنسرو و نه امکانات، هیچی نیست. بمباران هم خیلی شدید است. از این طرف می‌روی، جای پایت را محکم کن! برادر عبدا... به من گفت کارور این‌طور گفته. پس تو باید بمانی! گفتم به من چه ربطی دارد؟ من می‌خواهم بیایم. ولی به هر حال اجازه نداد و گفت صلاح نیست همه برویم آن طرف. بمان و وقایع بعد از ما را پیگیری کن.

### برادر عبدا... هم مفقود شد

من چند روز در جفیر صبر کردم. روز سوم که دیدم خبری نشد به یک قایقران التماس کردم تا من را به جزیره ببرد. موقعی به جزیره رسیدم که بچه‌های گردان حبیب عملیات کرده بودند. تعداد انگشت‌شماری داشتند برمی‌گشتند و باقی یا شهید شدند، یا مفقود. خود برادر عبدا... هم مفقود شد. معاونش هم همین طور. شهید کارور هم روز قبل از عبدا... مفقود شده بود. اینها را گفتم تا برسم به روزی که قرار بود شهید همت بیاید سخنرانی کند. من در آن روز با سی چهل نفر از بچه‌های گردان حبیب، در ساختمان‌های دوکوهه بودیم. گفتیم ببینیم چه خبر است. به میدان صبحگاه رفتیم. یک‌سری از بچه‌های گردان‌های مختلف که خسته شده بودند، جمع شده بودند و یک‌سری هم از نیروهای جدید طرح لبیکی بودند. کار طلائیه بسته شده بود و قرار بود این نیروها تلفیق شوند و به جزیره مجنون بروند. یعنی قرار بود فقط دو جزیره مجنون را نگه داریم. آنجا بود که برای آخرین بار، شهید همت را دیدم و اصطلاحا حسابی تکیده شده بود.

### کربلا، خون می‌خواهد

جمله «کربلا، خون می‌خواهد» در همین سخنرانی بود. آخرین جمله‌اش بود. گفت رودربایستی که نداریم. شش مرحله در طلائیه عملیات کرده‌ایم و شکست خورده‌ایم. از صدر اسلام مثال آورد و گفت این چیز تازه‌ای نیست. پیامبر(ص) هم در چند جا شکست خورده و شکست، مقدمه پیروزی می‌شود. ما نباید عقب بکشیم. سه بار گفت «بچه‌ها! کربلا، خون می‌خواهد.» بعد هم سخنرانی تمام شد و بچه‌ها دورش را گرفتند. فردایش هم که روز ۱۳ اسفند بود به جزیره رفت. روز پانزدهم اسفند اکبرزجاجی شهید شد. روز هفدهم همت شهید شد.

### داستان شهادت همت، یک فیلم است

داستان شهادتش هم خودش یک فیلم است. یعنی همان یک روز که شهید شد خودش کلی فلسفه دارد. پس از این که فشار زیاد می‌شود و گردان‌ها یکی یکی به جزیره می‌آیند، آن‌قدر پاتک شدید بود، می‌آمدند و چند ساعت می‌جنگیدند بعد یک گردان دیگر می‌آمد. به همین خاطر شمار نیروها ته کشید. حاج همت هم پیش حاج قاسم سلیمانی، فرمانده لشکر ۴۱ ثارا... کرمان رفت. حاجی به باقر شیبانی که پیک‌اش بود می‌گوید تو در سنگر بمان، من پیش حاج قاسم می‌روم. ممکن است بچه‌های لشکر امام حسین بیایند. وقتی آمدند توجیه‌شان کن که کجا مستقر شوند. بعد همت پیش حاج قاسم می‌رود که حاج قاسم هم شهید میرافضلی را با شهید همت همراه می‌کند و می‌گوید برو به حاج همت یک گروهان بده که برود خطش را بپوشاند.

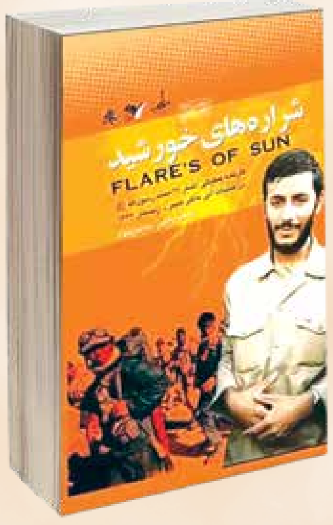

در آن نقطه تعداد وسایلی که به همین وسیله منهدم شدند، زیاد بود. شفازند می‌گوید من دیدم که موتور رفت و بعد یک لحظه، دیگر همه چیز از یادم رفت. موجی که به موتور خورد من را پرت کرد و خودم یک طرف افتادم و موتور یک طرف. اصلا یادم رفت که ما دو موتور بودیم که راه افتادیم. حالا شما به بقیه فیلم شهادت از نگاه باقر شیبانی توجه کنید.

### چرا شیبانی، همت را نشناخت؟!

شیبانی می‌گوید مدتی که گذشت و از همت خبری نشد، نگران شدم و شروع کردم این طرف و آن طرف تماس گرفتن. رفتم سراغ (شهید) رضا پناهنده و گفتم بیا برویم تا قرارگاه ببینیم برادر همت چه شد. این دو نفر از همان مسیر شهید همت و به صورت پیاده می‌آیند، می‌بینند که یک موتور خراب شده و درب و داغان روی زمین افتاده است. دو پیکر هم وسط جاده افتاده‌اند. یک نفر هم کمی آن طرف‌تر، با حالتی سرگشته دارد روی زمین دنبال چیزی می‌گردد.

دکتر شفازند موجی شده بود و حال طبیعی نداشت. شیبانی می‌گوید شک کردیم که این بنده خدا کیست؟ انگار دارد دنبال غنیمت می‌گردد! بعد می‌گوید به رضا پناهنده گفتم بیا این دو جنازه را بکشیم کنار جاده که وقتی وسایل رد می‌شوند، اینها له نشوند. جالب است که شیبانی دنبال همت می‌گشته و متوجه نمی‌شود که این پیکر همت است که دارد به کنار جاده منتقل‌اش می‌کند.

نکته اینجاست که چرا شیبانی نباید همت را بشناسد! حسین بهزاد تحلیلی داشت که شیبانی با شنیدنش شدیدا به فکر فرو رفت. بهزاد می‌گفت در این زمان، هنوز نیروهای همت درگیر هستند. هنوز خط تثبیت نشده و بچه‌ها باید خط را نگه‌دارند. اگر می‌فهمیدند که همت شهید شده قطعا خط را رها می‌کردند و می‌آمدند عقب.

از شهید همت جمله‌ای نقل می‌شود که «ما حاضریم در پوتین بسیجی‌ها آب بخوریم.» اتفاقا من یک نامه به همین خاطر زدم و گفتم این حرف‌ها چیست چاپ می‌کنید؟! نه داستان و نه جمله‌اش به هیچ‌وجه واقعی نیست. پس از شهید همت هم که حاج عباس کریمی و محمدرضا دستواره بودند

### بادگیر، چراغ قوه، زیرپیراهن

خب این دو نفر جنازه را کنار می‌کشند و به قرارگاه می‌روند. در قرارگاه هم گفته می‌شود که نه، همت اینجا نیامده است. سه روزی می‌گذرد و خط تثبیت می‌شود. عراق هم خطش را تثبیت می‌کند؛ سیم خاردار می‌زند و مین‌گذاری می‌کند. در نتیجه خط پدافندی تشکیل می‌شود و عراق از گرفتن این منطقه ناامید می‌شود. پس از سه روز شیبانی می‌گوید آقای محلاتی تماس گرفت و گفت برای ما مسلم است که همت شهید شده است. ولی این که کجاست نمی‌دانیم! شما که بیشتر با او بوده‌اید بروید در جمع شهدای مجهول‌الهویه‌ای که در اهواز هستند ببینید می‌توانید همت را شناسایی کنید؟

همت را از روی بادگیر، چراغ قوه و زیرپیراهنش شناسایی کردند. جالب است که آن بادگیر و همان شلوار پلنگی همان روز هم تنش بوده است ولی قسمت این بوده که آن روز پیکرش را نشناسند. چرا قرار نیست همت شناسایی شود؟ به خاطر همان فلسفه‌ای که اشاره کردم. خب، از پیکر همت، سرش از چانه به بالا را نداشت. دست چپ شهید همت هم در این اتفاق بریده شده بود.

مکث

## این جمله برای «همت» نیست!

از شهید همت جمله‌ای نقل می‌شود که «ما حاضریم در پوتین بسیجی‌ها آب بخوریم. »اتفاقا من یک نامه به همین خاطر زدم و گفتم این حرف‌ها چیست چاپ می‌کنید؟! نه داستان و نه جمله‌اش به هیچ‌وجه واقعی نیست. پس از شهید همت هم که حاج عباس کریمی و محمدرضا دستواره بودند.

عباس کریمی وقتی شهید شد من به سنگری رسیدم که پیکرش را در آن گذاشته بودند و کمک کردم تا او را در قایق گذاشتیم. در همان سنگری افتاد که روی دژ بود. به اتفاق چند نفر دیگر او را در قایق گذاشتیم و هنوز جان داشت. به سمت عقب رفتیم تا وسط هور به یک پست امداد رسیدیم ولی پزشکیاری که آنجا بود پس از معاینه گفت امیدی نیست و حاجی تمام کرده است. شهید کریمی در عملیات بدر در شرق دجله، یک سال بعد از خیبر شهید شد. دستواره هم در سال ۶۵ در عملیات کربلای یک در منطقه مهران شهید شد.

### حل سودوکو ۴۵۷۸

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۸ | ۱ | ۶ | ۴ | ۲ | ۹ | ۵ | ۳ | ۷ |  |  |  | ۶ | ۴ | ۸ | ۲ | ۵ | ۳ | ۷ | ۹ | ۱ |
| ۳ | ۵ | ۴ | ۶ | ۷ | ۸ | ۱ | ۹ | ۲ |  |  |  | ۵ | ۲ | ۷ | ۱ | ۶ | ۹ | ۴ | ۳ | ۸ |
| ۲ | ۹ | ۷ | ۳ | ۱ | ۵ | ۸ | ۴ | ۶ |  |  |  | ۱ | ۳ | ۹ | ۷ | ۸ | ۴ | ۶ | ۵ | ۲ |
| ۶ | ۴ | ۳ | ۵ | ۸ | ۷ | ۲ | ۱ | ۹ |  |  |  | ۹ | ۸ | ۴ | ۵ | ۷ | ۲ | ۱ | ۶ | ۳ |
| ۵ | ۲ | ۸ | ۹ | ۳ | ۱ | ۷ | ۶ | ۴ |  |  |  | ۲ | ۵ | ۳ | ۶ | ۴ | ۱ | ۸ | ۷ | ۹ |
| ۹ | ۷ | ۱ | ۲ | ۶ | ۴ | ۳ | ۸ | ۵ |  |  |  | ۷ | ۱ | ۶ | ۹ | ۳ | ۸ | ۵ | ۲ | ۴ |
| ۷ | ۶ | ۵ | ۸ | ۹ | ۳ | ۴ | ۲ | ۱ | ۳ | ۷ | ۶ | ۸ | ۹ | ۵ | ۴ | ۲ | ۶ | ۳ | ۱ | ۷ |
| ۱ | ۳ | ۹ | ۷ | ۴ | ۲ | ۶ | ۵ | ۸ | ۲ | ۹ | ۴ | ۳ | ۷ | ۱ | ۸ | ۹ | ۵ | ۲ | ۴ | ۶ |
| ۴ | ۸ | ۲ | ۱ | ۵ | ۶ | ۹ | ۷ | ۳ | ۱ | ۸ | ۵ | ۴ | ۶ | ۲ | ۳ | ۱ | ۷ | ۹ | ۸ | ۵ |
|  |  |  |  |  |  | ۵ | ۱ | ۷ | ۹ | ۴ | ۲ | ۶ | ۸ | ۳ |  |  |  |  |  |  |
|  |  |  |  |  |  | ۲ | ۶ | ۹ | ۸ | ۵ | ۳ | ۷ | ۱ | ۴ |  |  |  |  |  |  |
|  |  |  |  |  |  | ۸ | ۳ | ۴ | ۶ | ۱ | ۷ | ۵ | ۲ | ۹ |  |  |  |  |  |  |
| ۲ | ۷ | ۸ | ۳ | ۴ | ۵ | ۱ | ۹ | ۶ | ۵ | ۳ | ۸ | ۲ | ۴ | ۷ | ۶ | ۵ | ۳ | ۸ | ۹ | ۱ |
| ۳ | ۹ | ۴ | ۱ | ۲ | ۶ | ۷ | ۸ | ۵ | ۴ | ۲ | ۱ | ۹ | ۳ | ۶ | ۱ | ۸ | ۲ | ۴ | ۷ | ۵ |
| ۶ | ۱ | ۵ | ۷ | ۸ | ۹ | ۳ | ۴ | ۲ | ۷ | ۶ | ۹ | ۱ | ۵ | ۸ | ۹ | ۴ | ۷ | ۳ | ۶ | ۲ |
| ۴ | ۶ | ۹ | ۵ | ۱ | ۷ | ۲ | ۳ | ۸ |  |  |  | ۴ | ۷ | ۲ | ۳ | ۱ | ۸ | ۶ | ۵ | ۹ |
| ۸ | ۲ | ۱ | ۴ | ۹ | ۳ | ۶ | ۵ | ۷ |  |  |  | ۸ | ۶ | ۵ | ۴ | ۲ | ۹ | ۱ | ۳ | ۷ |
| ۷ | ۵ | ۳ | ۸ | ۶ | ۲ | ۹ | ۱ | ۴ |  |  |  | ۳ | ۹ | ۱ | ۵ | ۷ | ۶ | ۲ | ۴ | ۸ |
| ۹ | ۴ | ۲ | ۶ | ۳ | ۸ | ۵ | ۷ | ۱ |  |  |  | ۶ | ۸ | ۴ | ۲ | ۹ | ۵ | ۷ | ۱ | ۳ |
| ۱ | ۳ | ۷ | ۲ | ۵ | ۴ | ۸ | ۶ | ۹ |  |  |  | ۷ | ۱ | ۹ | ۸ | ۳ | ۴ | ۵ | ۲ | ۶ |
| ۵ | ۸ | ۶ | ۹ | ۷ | ۱ | ۴ | ۲ | ۳ |  |  |  | ۵ | ۲ | ۳ | ۷ | ۶ | ۱ | ۹ | ۸ | ۴ |

برای حل جدول اعداد باید در هر مربع کوچک‌تر ۳ در ۳ هیچ عدد تکراری وجود نداشته باشد. همچنین هیچ عددی در یک سطر یاستون مربع بزرگ ۹ در ۹ تکرار نشده باشد.

### سودوکو ۴۵۷۹

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۵ |  |  |  | ۲ |  |  |  | ۳ |  |  |  | ۸ |  |  |  | ۲ |  |  |  | ۵ |
|  |  | ۷ | ۳ |  | ۱ | ۶ |  |  |  |  |  |  |  | ۵ | ۱ |  | ۷ | ۸ |  |  |
| ۲ |  |  |  | ۶ |  |  | ۵ |  |  |  |  |  | ۴ |  |  | ۸ |  |  | ۹ |  |
| ۹ |  |  |  |  |  |  | ۶ |  |  |  |  |  | ۲ |  |  |  |  |  | ۱ |  |
| ۷ |  | ۴ |  |  |  | ۸ |  | ۵ |  |  |  | ۱ |  | ۴ |  |  |  | ۵ |  | ۲ |
|  | ۵ |  |  |  |  |  | ۷ |  |  |  |  |  | ۶ |  |  |  |  |  | ۳ |  |
| ۷ |  |  |  | ۴ |  |  | ۳ |  |  |  |  |  | ۸ |  |  | ۵ |  |  | ۲ |  |
|  |  | ۳ | ۵ |  | ۶ | ۷ |  |  |  |  |  |  |  | ۲ | ۶ |  | ۱ | ۷ |  |  |
| ۴ |  |  |  | ۷ |  |  |  | ۸ |  | ۱ |  | ۷ |  |  |  | ۴ |  |  |  | ۹ |
|  |  |  |  |  |  |  |  |  | ۲ |  | ۶ |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
|  |  |  |  |  |  |  |  |  | ۲ |  |  | ۵ |  |  |  |  |  |  |  |  |
|  |  |  |  |  |  |  |  |  | ۸ |  | ۵ |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ۹ |  |  |  | ۳ |  |  |  | ۵ |  | ۴ |  | ۱ |  |  |  | ۴ |  |  |  | ۵ |
|  |  | ۴ | ۶ |  | ۷ | ۱ |  |  |  |  |  |  |  | ۳ | ۹ |  | ۷ | ۸ |  |  |
| ۶ |  |  |  | ۲ |  |  | ۴ |  |  |  |  |  | ۲ |  |  | ۶ |  |  | ۴ |  |
| ۴ |  |  |  |  |  |  | ۱ |  |  |  |  |  | ۳ |  |  |  |  |  | ۹ |  |
| ۱ |  | ۹ |  |  |  | ۷ |  | ۲ |  |  |  | ۴ |  | ۲ |  |  |  | ۶ |  | ۳ |
| ۷ |  |  |  |  |  |  | ۵ |  |  |  |  |  | ۶ |  |  |  |  |  | ۱ |  |
| ۵ |  |  |  | ۷ |  |  | ۹ |  |  |  |  |  | ۹ |  |  | ۱ |  |  | ۳ |  |
|  |  | ۲ | ۵ |  | ۳ | ۸ |  |  |  |  |  |  |  | ۷ | ۶ |  | ۲ | ۴ |  |  |
| ۷ |  |  |  | ۸ |  |  |  | ۱ |  |  |  | ۲ |  |  |  | ۹ |  |  |  | ۶ |